

کنایه‌های ایهامی - استعاری (کاربرد کنایه در بافت ایهامی - استعاری):

شاعر با بهره‌گیری از امکان دوگانه معنایی
کنایه، ضمن ایجاد تقابل بین انسان و شیء،
کنایه را در هر دو معنی حقیقی و مجازی -
البته با دو متعلق متفاوت - اراده می‌کند.

نیام سنگ فلاخن لیک دارم بخت ناسازی
که بر گرد سر هر کس که گردم دورم اندازد!

من (شاعر)

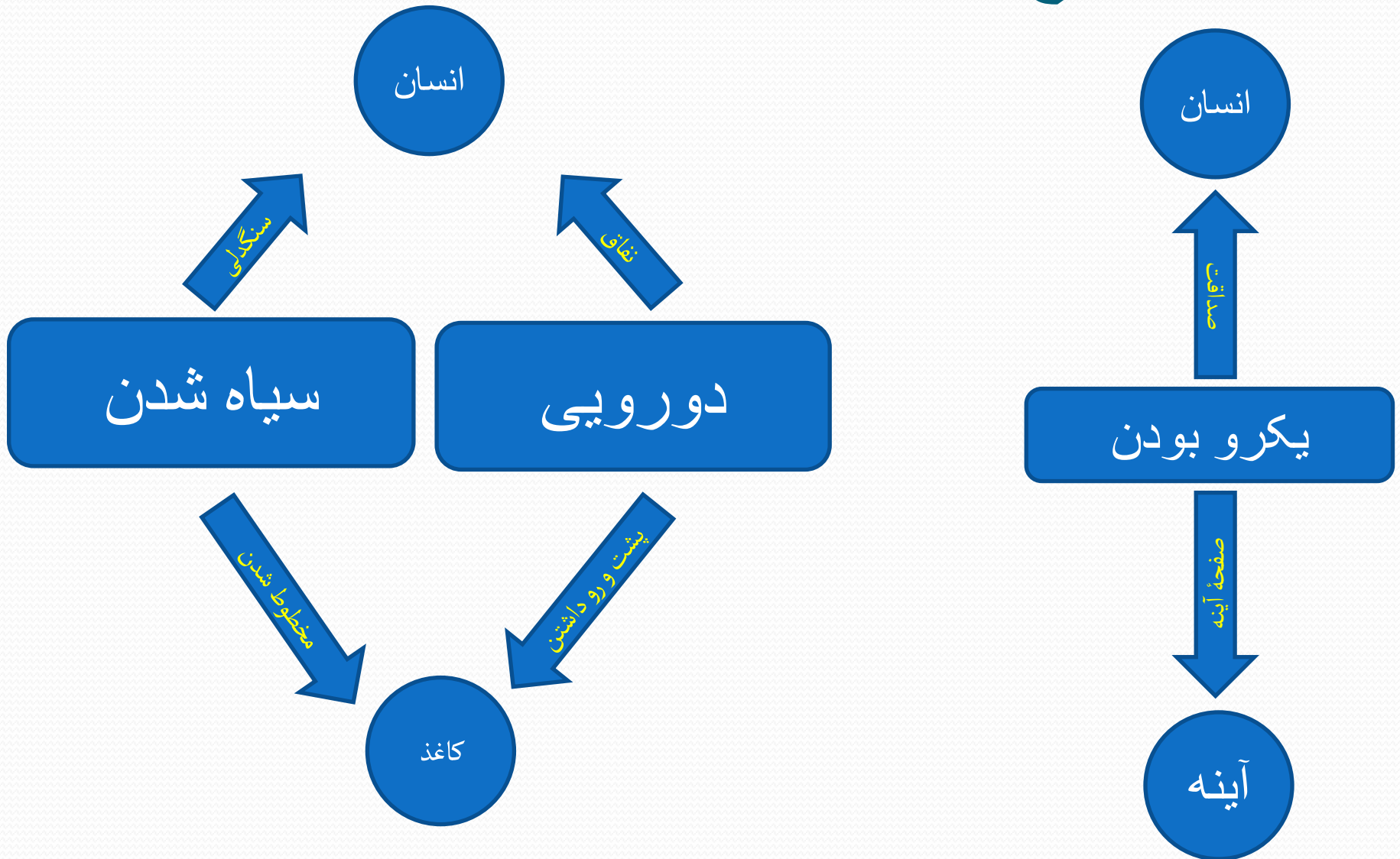
خود را فدای کسی کردن



به دور سر چرخیدن

فلاخن

چو فرد آینه با کاینات یکرو باش
که شد سیاه رخ کاغذ از دورویی‌ها



چنین بافتی معمولاً در ساخت تشبیهی عرضه میشود و کنایه در حکم وجه شبهه است که به اعتبار طرفین تشبیه مفهوم متفاوت می‌یابد:

کاش وقت آمدن واقف ز رفتن می‌شدم

تا چو نی در خاک می‌بستم میان خویش را!

- مشبه: شاعر؛ مشبه‌به: نی.
- وجه شبهه: میان بستن (برای شاعر: آماده شدن، و برای نی: بندهای ساقه).
- میان بستن برای نی نوعی استعاره و اسناد مجازی هم هست.
- این ویژگی نوعی از ایهام تناسب است که به استخدام نزدیک است. ایهام تناسبی که از ترکیب تشبیه و کنایه حاصل می‌شود. شاعر دو امر را به هم تشبیه می‌کند، آنگاه کنایه‌ای را که یکی از ملائمت مشبه‌به است می‌آورد که نسبت به مشبه‌به معنای حقیقی دارد و نسبت به مشبه معنای کنایی:

چون خامه سبک مغز از بی حضوری دل شد بیش روسیاهی در هر سجود ما را

خامه

1. تو خالی بودن
2. مجوف بودن
3. سیاه شدن از جوهر
4. خم شدن در دوات

انسان

1. سبک سری
2. حضور قلب نداشتن
3. شرمساری و گناه
4. عبادت

1. سبک مغزی
2. بی حضوری دل
3. روسیاهی
4. سجود